مقالهٔ پژوهشی:

بازخوانی مطالبات بانکی براساس ماهیت عقود در قانون «عملیات بانکی بدون ربا»

مجید حبیبیان نقیبی/ استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی majidhabibian@atu.ac.ir
سیدعبدالمطلب احمدزاده بزاز/ استادیار حقوق خصوصی دانشگاه مفید a_ahmadzadeh@mofidu.ac.ir
سیدعبدالحمید ثابت/ استادیار گروه اقتصاد جامعةالمصطفی العالمیه sah_sabet@yahoo.com
✍ **سعید کریمی**/ دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه عدالت stu-skarimi@edalat.ac.ir
دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸ ـ **پذیرش:** ۱۴۰۱/۰۱/۱۷

چکیده

افزایش مطالبات جاری یکی از مشکلات اساسی پیش‌روی بانک‌ها می‌باشد. تحقیق حاضر به بررسی معضل مطالبات در بانکداری بدون ربا براساس ماهیت عقود می‌پردازد. سؤال اصلی مقاله آن است که آیا ماهیت عقد تأثیری در معوق شدن تسهیلات دارد یا نه؟ آیا معوقات در عقود مبادله‌ای، مشارکتی و غیرانتفاعی به شکل معنا داری متفاوت می‌باشند؟ یافته‌های تحقیق حاضر با اتکا بر روش تحلیلی ـ توصیفی حاکی از آن است که با ساختار کنونی قانون «عملیات بانکی بدون ربا» در اصل معوق شدن تسهیلات مبادله‌ای و مشارکتی تفاوتی وجود ندارد، گرچه میزان معوقات در تسهیلات مشارکتی بیش از تسهیلات مبادله‌ای است. روی آوردن بانک‌ها به تسهیلات مشارکتی به خاطر سود حداکثری با ریسک حداقلی است؛ زیرا در عقود مشارکتی که بانک‌ها در حال حاضر با مشتریان خود منعقد می‌کنند، حداکثر ریسک به مشتری منتقل می‌شود. به همین سبب لازم است درخصوص کمّیت و کیفیت عقود بازنگری صورت پذیرد.

کلیدواژه‌ها: بانکداری بدون ربا، معوقات بانکی، امهال بدهی، قرض‌الحسنه، عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی.

طبقه‌بندی JEL: E4،E50.

مقدمه

مطابق مواد سه تا شش قانون «عملیات بانکی بدون ربا»، سه نوع سپرده برای تجهیز منابع بانک‌ها تعریف شده است: «سپرده قرض‌الحسنه جاری»؛ «سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز» و «سپرده سرمایه‌گذاری». در بخش تخصیص منابع پولی، بانک‌ها می‌توانند پس از کسر سپرده قانونی و ذخیره احتیاطی، به شیوه‌هایی که در جدول ذیل آمده است، منابع خود را تخصیص دهند:

جدول ۱: الگوی بانکداری بدون ربا

تجهیز منابع			تخصیص منابع		
نوع سپرده	رابطه حقوقی	سود	نوع تسهیلات	رابطه حقوقی	سود
سپرده قرض‌الحسنه جاری	قرض بدون بهره	صفر	۱. قرض‌الحسنه	قرض بدون بهره	کارمزد
			۲. فروش اقساطی	بیع نسیه	معین
			۳. اجاره به شرط تملیک	اجاره	معین
			٤. سلف	بیع سلف	معین
سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز	قرض بدون بهره	صفر	۵. خرید دین	بیع دین	معین
			٦. جعاله	جعاله	معین
			۷. مشارکت مدنی	شرکت	متغیر
			۸. مشارکت حقوقی	شرکت	متغیر
سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار	وکالت عام	متغیر	۹. مضاربه	مضاربه	متغیر
			۱۰. مزارعه	مزارعه	متغیر
			۱۱. مساقات	مساقات	متغیر
			۱۲. سرمایه‌گذاری مستقیم	——	متغیر

فصل سوم قانون «عملیات بانکی بدون ربا» مربوط به چگونگی تخصیص و اعطای تسهیلات بانکی از محل سپرده‌های دریافتی به متقاضیان براساس قالب «عقود مبادله‌ای»، «عقود مشارکتی» و «قرض‌الحسنه» است. براین‌اساس، متقاضیان دریافت تسهیلات با توجه به نوع فعالیت خود، می‌توانند با استفاده از قراردادهای خاص شرعی و قابل تطبیق بر آن نوع فعالیت، نسبت به دریافت این تسهیلات و انعقاد قرارداد با بانک اقدام نمایند. طراحی عقود گوناگون و مناسب با فعالیت‌های متفاوت اقتصادی، یکی از شاخصه‌های بارز این قانون است. درواقع طراحان این الگو تمام تلاش خود را به‌کار برده‌اند که این قانون به نیازهای بخش‌های گوناگون فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های گوناگون، پاسخ مناسبی ارائه دهد. برای هریک از بخش‌های تجارت، صنعت، معدن، کشاورزی، مسکن و سایر بخش‌ها در این قانون قرارداد خاصی منظور شده است:

ـ احتیاجات شخصی: تسهیلات قرض‌الحسنه؛

ـ فعالیت‌های تولیدی، اعم از صنعتی، کشاورزی و معدنی: انواع تسهیلات فروش اقساطی، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، اجاره به شرط تملیک، معاملات سلف، سرمایه‌گذاری مستقیم، قرض‌الحسنه، مزارعه، مساقات و جعاله؛

ـ بازرگانی، اعم از واردات و صادرات: انواع تسهیلات مضاربه، مشارکت مدنی و حقوقی، و جعاله؛

ـ خدمات: انواع تسهیلات مشارکت مدنی و حقوقی، اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی و جعاله؛

ـ مسکن، اعم از ساختمان و تعمیرات: انواع تسهیلات مشارکت مدنی، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، قرض‌الحسنه، جعاله و سرمایه‌گذاری مستقیم.

در نظام بانکداری متعارف، به سبب ساختار ربوی، کسانی که در سررسید معین به پرداخت اقساط بدهی خود اقدام نکنند، با توجه به درصد بهره در قراردادی که با بانک منعقد کرده‌اند، باید برای مدت تأخیر از مدت قرارداد نیز بهره دیون خود را پرداخت کنند. افزون بر این، معمولاً بانک‌ها برای مدت تأخیر، درصدی را افزون بر نرخ بهره به‌عنوان جریمه پیش‌بینی می‌کنند. در نتیجه بدهکار ملزم خواهد بود که برای تأخیر در پرداخت دین خود، بهره‌ای بیش از بهره اصلی مندرج در قرارداد به بانک پرداخت کند. اما در ساختار عقود در قانون «عملیات بانکی بدون ربا»، داستان مطالبات بانکی به نحو دیگری است.

براساس راهکار موجود در قانون کنونی «عملیات بانکی بدون ربا»، بانک‌ها حین اعطای تسهیلات مجازند تعهدی را تحت عنوان «وجه التزام» از گیرنده تسهیلات دریافت نمایند تا در صورت تأخیر در پرداخت اقساط، علاوه بر الزام به پرداخت اقساط، وجه تعهدشده را به‌عنوان شرط ضمن عقد که تضمین‌کننده پایبندی طرفین در معاملات است، نیز بپردازند.

روش مرسومِ کنترلِ مطالبات از طریق وجه التزام در قراردادهای بانکی و اخذ جریمه تأخیر تأدیه، هرچند از سوی شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و تعدادی از مراجع عظام تأیید شده است، اما برخی از مراجع دریافت هرگونه جریمه را مصداق ربا یا ربای جاهلی و حرام می‌دانند.

برای توضیح اختلاف دیدگاه مراجع، تحقیق حاضر می‌کوشد اشکال گوناگون اعطای تسهیلات براساس عقود مشارکتی و مبادله‌ای در قانون «عملیات بانکی بدون ربا» در ایران را تبیین و راهکارهای کنترل آن در هریک از موارد مذکور را به تفکیک عقود بیان نماید.

در مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده برای توضیح افزایش معوقات در شبکه بانکی به نمونه‌های متعددی، ازجمله رکود اقتصادی، بانک‌محوری اقتصاد ایران، ضعف تقارن و شفافیت اطلاعات، ضعف طراحی نظام تشویق و تنبیه، نابسامانی اقتصاد و تورم‌های مزمن و انتظارات تورمی، ساختار نامناسب بانکداری در ایران، ضعف طراحی ابزارهای مناسب اخذ سپرده و پرداخت تسهیلات، ضعف اعتبارسنجی و فقدان بانک جامع اطلاعات مشتری و وثایق ضامن، بی‌تجربگی در تنظیم قراردادها، وجود ذی‌نفع واحد، ضعف اطلاعات و آموزش کافی برای کارشناسان ذی‌ربط

بانک، ضعف نظارت در شبکه بانکی و شناخت ناقص قانون «عملیات بانکی بدون ربا» اشاره شده است. اما موضوع مهمی که شاید کمتر به آن پرداخته شده این است که آیا ماهیت عقد تأثیری در معوق شدن تسهیلات دارد یا نه؟

پس از بررسی مقدمه و پیشینه بحث و وضعیت معوقات در بانکداری ایران، ماهیت مطالبات بانکی در قرض‌الحسنه، عقود مبادله‌ای و مشارکتی به تفکیک عقود بررسی می‌شود. در قسمت پایانی مقاله، مانده تسهیلات به تفکیک عقود، طی سال‌های ۱۳۸۶ـ۱۳۹۹ تحلیل و بررسی می‌شود.

پیشینه بحث

موریس گلداستین و *فیلیپ ترنر* (۱۹۹۶) در پژوهش خود با عنوان «بحران‌های بانکی در اقتصادهای یکپارچه؛ ریشه‌ها و راهکارهای سیاستی» کوشیده علل بحران‌های بانکی را بررسی کند. یکی از مهم‌ترین بحران‌ها بالا بودن نسبت مطالبات (NPL) به مانده کل تسهیلات است. نویسنده پس از مطالعه کشورهای گوناگون، مهم‌ترین علل خلق معوقات را عواملی نظیر بی‌ثباتی‌های اقتصاد کلان (نوسان‌های نسبی بزرگ در تجارت، تغییرات نرخ بهره بین‌المللی، بی‌ثباتی نرخ‌های ارز واقعی، بی‌ثباتی نرخ‌های رشد و تورم)، وام‌دهی بسیار، فروپاشی قیمت‌های دارایی و نوسان‌های جریان‌های سرمایه‌ای، دخالت سنگین دولت و فقدان کنترل بر وام‌دهی‌های رابطه‌ای، عدم تدارک تمهیدات لازم برای آزادسازی مالی، افزایش بدهی‌های بانک‌ها همراه با عدم تطابق ارزی و سررسید بالا دانسته است.

پراشانت ـ ک ـ ردی (۲۰۰۲) در پژوهش «مطالعه تطبیقی از مطالبات معوق در نظام بانکی هند در محدوده جهانی؛ شباهت‌ها، تفاوت‌ها و اقدامات اصلاحی» عوامل اصلی مؤثر در خلق مطالبات (NPL) از سوی پنج کشور آسیایی چین، تایلند، کره، ژاپن و هند را بررسی کرده است.

از عوامل مهم معوقات در کشور چین، خطر اخلاقی است که برخی شرکت‌های بزرگ اقتصادی معتقدند: دولت در شرایط دشوار، ضامن آنهاست. بنابراین آنها به ریسک کردن در سطح بالا ادامه می‌دهند و به‌طور واقعی برای دستیابی به سودآوری رقابت نمی‌کنند. به همین سبب، معوقات بانکی بالاست. در کشور کره جنوبی نبود نظارت بر اخذ وثایق و ضمانت‌ها موجب افزایش معوقات بانکی گردیده است. در کشور ژاپن چرخه تجاری موجب تعویق وام‌های دریافتی شده است؛ به این بیان که در زمان رونق، سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ای در املاک و مستغلات صورت پذیرفت، اما در دوره رکود اقتصادی به بازگشت منابع منجر نشد.

در این تحقیق عوامل پیدایش NPL کشور هند این‌گونه عنوان شده است: موانع قانونی و ماهیت وقتگیر فرایند واگذاری دارایی، به تعویق انداختن مشکل به منظور گزارش درآمدهای بالا، و تظاهر به همکاری بدهکاران با استفاده از نفوذ سیاسی.

پژوهش مهم دیگری با عنوان «مطالبات معوق؛ علل، راهکارها و برخی آموزه‌ها» توسط *محمدشفیق الاسلام* و همکارانش (۲۰۰۵) درباره حل مشکلات وام‌های معوق انجام شده است. وی در مقاله خود درباره فرهنگ عدم بازپرداخت بدهی یا نکول، بحث کرده و آن را عادتی جاافتاده قلمداد کرده است. درعین‌حال علت عمده معوق شدن وام‌ها را ضعف عملیات اعتبارسنجی می‌داند. ایشان پیشنهاد داده است نهادی برای بازیابی مطالبات معوق ایجاد گردد.

پژوهش دیگر مربوط به کشور ترکیه است که *کارابولوت* و همکارانش (۲۰۰۷) انجام داده‌اند. در سال ۱۹۹۴ به علت بحران مالی، دولت ترکیه به اجرای برنامه بیمه سپرده‌ها با نرخ ثابت پرداخت که نتیجه آن بحران مالی بود. در این پژوهش عنوان شده که بیمه سپرده‌ها نقش مهمی در معوق شدن وام‌ها داشته است. علت این امر نیز آن است که بانک‌ها پس از بیمه شدن سپرده‌های بانکی، بیشتر به استقبال ریسک می‌رفتند و خطر اخلاقی و نبود توجه کافی به ریسک اعتباری متقاضیان وام‌ها، موجب افزایش بیش از پیش مطالبات معوق گردید.

در پژوهشی که *گوانینگ ـ نینگ* (۲۰۰۷) با عنوان «علل پیدایش مطالبات معوق و راهکارهای آن در بانک‌های تجاری چین» انجام داده، عوامل پیدایش مطالبات معوق در بانک‌های تجاری چین بررسی شده و راهکارهایی برای حل این مشکل بیان گردیده است. نویسنده در این پژوهش، از روش «کتابخانه‌ای» و «توصیفی» استفاده کرده و عوامل مؤثر در پیدایش و گسترش این مشکل را دو دسته دانسته است:

در دسته اول، عواملی نظیر شرایط و عوامل خارجی غیراستاندارد به‌مثابه اولین عامل مؤثر در پیدایش مطالبات معوق، و نهادها و بانک‌هایی با مدیریت اجرایی ضعیف بررسی شده است.

در دسته دوم، ریشه‌های نظام‌مند مطالبات معوق در بانک‌های تجاری چین بررسی شده و عواملی همانند فرایند تصمیم‌گیری ناقص، ساختار نظارتی ضعیف، فرایند مدیریت اجرایی غیرمتمرکز، فرایند توزیع درآمد داخلی ناقص، فقدان سازوکار ارزیابی دقیق و نظام مدیریت منابع انسانی غیرمنعطف مدنظر قرار گرفته است. در پژوهش مذکور، راهکارهایی نظیر اصلاح فرایند اجرایی به صورت جامع، ایجاد نظام مدیریتی متمرکز، تخصص، ایجاد فرهنگ اعتباری مناسب و ایجاد گروه‌های تخصصی بیان شده است.

مطالبات بانکی در الگوی «بانکداری بدون ربا» در ایران با ادبیات جریمه تأخیر تأدیه، وجه التزام بانکی و خسارت، در مقالات متعددی واکاوی شده که از بین مقالات منتشرشده دو مقاله به ساختار عقود و مسئله «خلق و محو» اشاره دارد:

سبحانی و اکبری (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی امکان و ادله ایجاد بدهی معوقات بانکی در نظام بانکی بدون ربا» با بررسی عقود مصرح در قانون «عملیات بانکی بدون ربا» نشان داده‌اند که معمولاً امکان ایجاد بدهی در نظام بانکی بدون ربا وجود ندارد و یا بسیار کم است. نتایج مقاله نشان می‌دهد اجرا نشدن درست «عملیات بانکی بدون ربا» و تخطی از قانون و بعضاً صوری بودن اجرای عقود اسلامی از اصلی‌ترین و حتی منحصرترین ادله ایجاد بدهی در نظام بانکی کشور است.

صمصامی و کریمی (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی امکان تحقق مطالبات معوق در بانکداری بدون ربا»، معوقات شرکت‌های واسپاری (لیزینگ) و عقد مشارکت و فروش اقساطی در نظام بانکی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که هرچه از تخصصی‌شدن فعالیت‌ها فاصله گرفته می‌شود به همان نسبت، معوقات افزایش می‌یابد؛ زیرا ورود بانک به بازار واقعی دارای هزینه‌های فراوانی است و بانک ترجیح می‌دهد همه این هزینه‌ها را به دوش مشتری بیندازد. ازهمین‌رو، مشارکت مدنی نیز اگر انجام گردد به صورت واقعی نیست.

تحقیق حاضر سعی دارد به بازخوانی مطالبات در اشکال گوناگون اعطای تسهیلات براساس عقود مشارکتی و مبادله‌ای در قانون «عملیات بانکی بدون ربا» در ایران بپردازد.

وضعیت معوقات در بانکداری بدون ربا در ایران

قانون «عملیات بانکی بدون ربا» به‌منظور حذف ربا و جایگزین کردن سود مشروع، طراحی گردید. قانون مزبور براساس آموزه‌های اسلام ابزارها و روش‌هایی را طراحی کرد که از مشروعیت و کارایی لازم برخوردار باشند. تخصیص منابع بانکی در بانکداری بدون ربا در قالب چهار دسته عقد «قرض‌الحسنه»، «عقود مبادله‌ای» (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، معاملات سلف، خرید دین، جعاله)، «عقود مشارکتی» (مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه، مساقات) و «سرمایه‌گذاری مستقیم» اتفاق می‌افتد.

گزارش منتشرشده بانک مرکزی در خصوص «تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به تفکیک عقود اسلامی» در قالب عقود اسلامی شامل «قرض‌الحسنه»، «مضاربه»، «سلف»، «مشارکت مدنی»، «جعاله»، «فروش اقساطی»، «مرابحه»، «استصناع»، «اجاره به شرط تملیک»، «مشارکت حقوقی»، «سرمایه‌گذاری مستقیم» و سایر عقود تا اسفند سال ۱۳۹۹، نشان می‌دهد میزان کل مانده تسهیلات نظام بانکی کشور (و بدهکار شدن مشتریان) در سال ۱۳۹۹ معادل ۲۳٫۹۲۶/۷ هزار میلیارد ریال بوده است.

در بین یازده عقد مذکور در گزارش بانک مرکزی، بیشترین مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در قالب عقد «مرابحه»، ۲۸/۱ درصد؛ «فروش اقساطی»، ۲۳ درصد؛ و پس از آن مشارکت مدنی ۱۶/۹ درصد بوده است (جدول ۱).

جدول ۲: تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به تفکیک عقود (هزار میلیارد ریال)

تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به تفکیک عقود اسلامی	مانده در اسفند ۱۳۹۸	مانده در اسفند ۱۳۹۹	سهم از مانده در اسفند ۱۳۹۹	درصد تغییر
بانک ها و مؤسسات اعتباری	۱۶۰۹۶/۸	۲۳۹۲۶/۷	۱۰۰/۰	۴۸/۶
قرض‌الحسنه	۱۱۵۷/۵	۲۰۲۹/۲	۸/۵	۷۵/۳
مضاربه	۱۸۶/۴	۲۸۱/۸	۱/۲	۵۱/۲
سلف	۱۹۷/۰	۴۲۵/۳	۱/۸	۱۱۵/۹
مشارکت مدنی	۴۰۴۹/۹	۴۰۴۸/۹	۱۶/۹	۰/۰
جعاله	۷۹۷/۳	۱۰۵۹/۴	۴/۴	۳۲/۹
فروش اقساطی	۴۴۲۱/۳	۵۵۱۰/۴	۲۳/۰	۲۴/۶
مرابحه	۲۸۱۲/۷	۶۷۳۰/۸	۲۸/۱	۱۳۹/۳
اجاره به شرط تملیک	۱۰۶/۶	۱۵۸/۶	۰/۷	۴۸/۸
مشارکت حقوقی	۵۰۸/۹	۱۲۰۹/۷	۵/۱	۱۳۷/۷
سرمایه‌گذاری مستقیم	۷۰/۴	۶۳/۶	۰/۳	-۹/۷
سایر	۱۷۸۷/۶	۲۴۰۷/۵	۱۰/۱	۳۴/۷

منبع: تارنمای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در تحلیل مجموع اطلاعات ارائه‌شده، می‌توان ادعا کرد نسبت مطالبه‌های معوق به کل تسهیلات اعطایی در نظام بانکی کشور ایران بسیار بالاست. این در حالی است که براساس استانداردها و عرف بین‌المللی، نسبت مطالبات غیرجاری باید بین ۲ تا ۵ درصد تسهیلات اعطایی باشد و معوقات بیش از ۵ درصد تسهیلات بانکی ریسک پرخطر محسوب می‌شود (محرابی، ۱۳۹۳، ص۶). لازم به ذکر است که نسبت فوق در ایران همواره از سطح بین‌المللی بیشتر و در مرحله ریسک‌پذیری بالایی قرار داشته است.

مطالبات در قرض‌الحسنه

قانونگذار در ماده ۶۴۸ قانون مدنی می‌گوید: «قرض عقدی است که به موجب آن، یکی از طرفین، مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار، جنس و وصف رد کند و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم الرد را بدهد».

قرض‌دهنده به وام‌گیرنده مال خود را با شرط ضمان تملیک می‌کند. در ماده یک دستورالعمل اجرایی، «قرض‌الحسنه اعطایی بانک‌ها» چنین تعریف شده است: «قرض‌الحسنه عقدی است که به موجب آن بانک‌ها (به‌عنوان قرض‌دهنده) مبلغ معینی را طبق ضوابط مقرر به اشخاص، اعم از حقیقی یا حقوقی (به‌عنوان قرض‌گیرنده) به صورت غیرانتفاعی و با نیت خیرخواهانه تملیک نمایند».

در عقد قرض، افزایش یا کاهش ارزش پول اثری ندارد و قانون[۵] مقترض را مکلف به رد مثل از لحاظ مقدار، جنس و وصف می‌داند: «مقترض باید مثل مالی را که قرض کرده است رد کند، اگرچه قیمتاً ترقی یا تنزل کرده باشد» (ماده ۶۵۰ قانون مدنی).

بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به موجب فصل سوم قانون «عملیات بانکی بدون ربا» می‌توانند بخشی از منابع خود را در قالب «قرارداد قرض‌الحسنه» تخصیص داده، به تملیک مشتری درآورند و در مقابل، مثل یا قیمت آن را مطالبه نمایند. بانک در اعطای قرض‌الحسنه می‌تواند صرفاً هزینه‌های انجام‌شده برای پرداخت قرض‌الحسنه را به‌عنوان «کارمزد» دریافت کند. این کارمزد توسط بانک مرکزی محاسبه و از قرض‌گیرنده دریافت خواهد شد که با توجه به مبلغ قرض‌الحسنه، مدت قرض برای سال جاری و سال‌های بعد نسبت به مانده تسهیلات دریافت می‌شود.

تبیین مطالبات قرض‌الحسنه

در تسهیلات قرض‌الحسنه مطابق قانون «عملیات بانکی بدون ربا»، امکان معوق شدن پرداخت آن قابل تصور است و قرض‌گیرنده ممکن است مواقعی که شرایط خاص اقتصادی مانع پرداخت به‌موقع بدهی شده باشد، توان پرداخت بدهی در سررسید مقرر را نداشته باشد.

طبق بخشنامه بانک مرکزی به محض قصور مشتری در بازپرداخت مطالبات، بانک مجاز و محق به محاسبه و اخذ وجه التزام (خسارت تأخیر تأدیه دین) خواهد بود (بخشنامه ۱۶۵۶، مورخ ۱۳۸۶/۰۴/۲۷).

اما باید توجه شود که برخی از فقهای عظام هرگونه افزایش در ازای تأخیر تأدیه دین را طبق آیه ۲۸۰ سورهٔ مبارکهٔ «بقره»، مشمول حرمت ربا می‌دانند و معتقدند: بدهکار صرفاً اصل دین را بدهکار است و هیچ مبلغی اضافی بدهکار نیست (بهجت، ۱۳۸۶، مسئله ۱۰۸۹، ص ۳۳۲؛ حسینی سیستانی، ۱۳۹۰، ص ۳۴۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۷۵، ص۳۲۴؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ص ۴۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ص ۱۹۲). درعین‌حال برخی از فقها به صورت مشروط ضمن عقد خارج لازم، با وجه التزام موافقت کرده‌اند (گلپایگانی، ۱۳۶۴، ج۲، ص۹۱؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲؛ رضوانی، ۱۳۹۰، ص ۳۳).

با توجه به محدودیت منابع قرض‌الحسنه، چنانچه بانک از طلب خود چشم‌پوشی نماید عملاً منابع خود را کاهش داده است. بنابراین به‌نظر می‌رسد راه‌حل مناسب، مهلت دادن به بدهکار باشد تا زمانی که توانایی پرداخت پیدا کند (ر.ک: بقره: ۲۸۰). راهکار امهال در چنین مواقعی، تمدید مهلت پرداخت قرض و امهال بدهی است. بانک بابت تمدید قرارداد، خسارت دریافت نمی‌کند؛ زیرا دچار خسارت نشده است؛ زیرا قرض پرداختی از محل سپرده‌های قرض‌الحسنه مردم که تحت مالکیت بانک است، تأمین می‌شود و بانک سودی به سپرده‌گذار پرداخت نکرده است تا گفته شود دچار خسارت شده است.

مطالبات در عقود مبادله‌ای

«قراردادهای مبادله‌ای» قراردادهای انتفاعی هستند و سود آنها با نرخ ثابت تعیین می‌شود. در چنین قراردادهایی (غیر از سلف) بعد از انعقاد قرارداد، متقاضیِ تسهیلات° مبلغ معینی (منابع بانک + نرخ سود معین) را به بانک بدهکار می‌شود و متعهد می‌گردد در سررسید یا سررسیدهای مشخص بپردازد.

ماهیت حقوقی فروش اقساطی (بیع نسیه) و کیفیت مطالبات

«فروش اقساطی» از انواع بیع محسوب می‌شود و کالا به خریدار تحویل می‌گردد و تمام و یا قسمتی از بهای (حداقل و حداکثر سود به تصویب شورای پول و اعتبار می‌رسد)، آن به اقساط مساوی و یا غیرمساوی در سررسید / سررسیدهای معین دریافت می‌گردد. پس از انعقاد قرارداد، کالا به مالکیت مشتری درمی‌آید.

با توجه به سهولت و قابلیت از پیش تعیین کردن سود و اخذ سود ثابت از متقاضی در این نوع قراردادها و نیز کارایی آن در خرید و فروش بسیاری از کالاها، سهم آن از کل تسهیلات بانکی بیش از ۲۴٪ درصد است.

تبیین مطالبات فروش اقساطی

در صورت عدم پرداخت بدهی، مطابق عقد خارج لازم، بانک‌ها از بدهکار جریمه می‌گیرند. پیشگیری از وقوع مطالبات معوق فروش اقساطی به دو صورت امکان‌پذیر است:

۱. محصولِ موضوعِ فروشِ اقساطی تا تسویه کامل بدهی در رهن بانک قرار می‌گیرد.

۲. قبل از اعطای تسهیلات فروش اقساطی، برای پیشگیری از وقوع و محو مطالبات، وثایق بیشتری از مشتری اخذ گردد تا امکان نقدشوندگی و نیز پوشش هزینه‌های جانبی مراحل قانونی تملک وثایق برای بانک مهیا گردد. اما باید توجه داشت اخذ وثایق بیشتر فرایند اعطای تسهیلات را سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌کند و همچنین کسانی را که قادر به تأمین وثایق بیشتر نباشند از دریافت تسهیلات بانکی محروم می‌کند که این امر با شمول مالی و عدالت اقتصادی تناسب ندارد.

ماهیت حقوقی و کیفیت مطالبات اجاره به شرط تملیک

«اجاره به شرط تملیک» در قانون عقدی است که در آن شرط می‌شود مستأجر در پایان مدت اجاره و در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد، عین مستأجره را مالک گردد. تفسیر قضایی آن عبارت است از: شرط بیع در ضمن عقد اجاره که با پرداخت تمام اقساط، مستأجر (مشروط له) مالک عین مستأجره می‌شود (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۲۲۵).

با وجود سهولت و کارایی این قرارداد و امتیازاتی که این قرارداد برای بانک ـ به سبب مالک بودن کالا تا پایان مدت قرارداد ـ دارد، سهم آن از کل تسهیلات بانکی به یک درصد هم نمی‌رسد.

تبیین مطالبات اجاره به شرط تملیک

رعایت دو شرط در اعطای تسهیلات اجاره به شرط تملیک موجب بازگشت منابع می‌گردد:

۱. اعتبارسنجی پیش از قرارداد و اخذ ضمانت و وثایق معتبر؛

۲. واگذار نکردن موضوع قرارداد تا تسویه کامل.

ماهیت حقوقی و کیفیت مطالبات جعاله

براساس ماده ۶۷ آیین‌نامه فصل سوم قانون «عملیات بانکی بدون ربا»، بانک‌ها می‌توانند به‌عنوان عامل و پیمانکار، و در صورت لزوم به‌عنوان جاعل و کارفرما، به تنظیم قرارداد «جعاله» مبادرت کنند. مشتری به‌عنوان کارفرما از بانک می‌خواهد خدمت معینی، همچون گشایش اعتبار اسنادی را برای او انجام دهد و مشتری به‌عنوان جاعل، متعهد به پرداخت وجه معینی بابت کارمزد (جعل) می‌شود.

«جعاله» عبارت است از: متعهد شدن شخص حقیقی یا حقوقی به پرداخت اجرت (جعاله) معین در برابر انجام کار معین. شخص متعهد را «جاعل» و انجام‌دهنده کار را «عامل» می‌گویند (موسوی خمینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۳۸).

طبق ماده ۶۹ آیین‌نامه مذکور، تدارک مقدمات و تهیه مواد و مصالح و سایر لوازم موردنیاز می‌تواند بر عهده جاعل یا عامل باشد.

کیفیت مطالبات جعاله

خلق مطالبات بانکی تسهیلات جعاله با درخواست متقاضی تسهیلات در قبال پرداخت جعل به صورت اقساطی محقق می‌شود.

پس از اتمام طرح، چنانچه مشتری اقساط خود را پرداخت نکند به سبب آنکه هیچ عینی در تملک و رهن بانک قرار ندارد، مطالبات بانکی وصول نمی‌گردد. اخذ وثایق معتبر پیش از پرداخت تسهیلات، کمک شایانی به محو مطالبات تا پایان موعد پرداخت اقساط می‌نماید.

ماهیت حقوقی و کیفیت مطالبات سلف

اگر در قرارداد بیع برای تحویل مبیع مدت تعیین شود معامله را «بیع سلف» یا «بیع سلم» گویند (همان، ج ۱، ص ۴۹۹ـ۵۰۰). براساس ماده ۱۳ قانون «عملیات بانکی بدون ربا»، بانک‌ها برای تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش موردنیاز متقاضیان، بخشی از محصول با دوام آینده متقاضی را پیش‌خرید (سلف یا سلم) می‌کنند و به‌طور معمول با احتساب سود بانکی به فروشنده سلف وکالت می‌دهند تا با قیمت معین محصول را فروخته، پولش را در سررسید به بانک تحویل دهد. قیمت محصولات پیش‌خریدشده به‌گونه‌ای تعیین می‌گردد که قیمت فروش آنها در سررسید، حداقل معادل قیمت خرید + سود مورد انتظار بانک باشد. سلف از آن حیث جزو عقود با بازدهی متغیر (مبتنی بر سود غیرثابت) محسوب می‌شود که تا وقتی کالای پیش‌خریدشده توسط خریدار دریافت نشود و وی نیز آن کالا را نفروشد، میزان سود معین نخواهد بود (میزان سود برابر است با اختلاف بین قیمت پیش‌خرید و قیمتی که در آتی، خریدار اولیه می‌خواهد کالا را بفروشد).

سهم این قرارداد از کل تسهیلات اعطایی نظام بانکی قریب شش درصد بوده که رقم قابل‌توجهی در مقایسه با سایر عقود مبادله‌ای بجز فروش اقساطی است.

تبیین مطالبات سلف

طبق ماده ۴ دستورالعمل اجرایی سلف، طی این عقد «بانک‌ها مکلفند قبل از انعقاد قرارداد معاملات سلف، با بررسی‌های لازم از تحویل محصول یا محصولات مورد معامله در سررسید مربوط اطمینان حاصل نمایند». همچنین مطابق ماده ۱۱ دستورالعمل مذکور، بانک مکلف به دریافت وثیقه معتبر است تا اگر به هر علتی متقاضی نتوانست و یا نخواست از طرق عادی بدهی خود را بپردازد، بانک از این طریق بدهی خود را وصول کند.

اجرای این قرارداد بدین نحو است که پس از ارائه درخواست از سوی متقاضی تسهیلات (اعم از شخصیت حقیقی یا حقوقی)، بانک کالای وی را از او پیش‌خرید کرده، مبلغ آن را به صورت نقدی و یکجا به وی پرداخت می‌نماید. متقاضی تسهیلات تعهد می‌کند کالایی را که اوصاف آن در متن قرارداد سلف مشخص شده است، در تاریخ معین به بانک واگذار نماید.

چنانچه متقاضی تسهیلات در موعد مقرر کالای تولیدشده را به بانک بدهد (یا به وکالت از بانک آن را بفروشد و مبلغ آن را به بانک بدهد) مطالبات بانکی وصول می‌گردد. اما اگر به هر علتی، اعم از امتناع از تحویل محصول به بانک یا ناتوانی از تولید یا تهیه کالای پیش‌فروش‌شده نتواند به تعهدات خود عمل کند، دریافت مطالبات دچار اختلال می‌گردد و از راه‌حل‌های دیگری، همچون امهال بدهی باید اقدام شود.

ماهیت حقوقی و کیفیت مطالبات خرید دین

بانک‌ها به منظور ایجاد تسهیلات برای تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش موردنیاز متقاضیان تا سقف معین، اسناد مالی (طلب) مدت‌دار آنان، اعم از سفته، برات یا چک را که حاکی از معامله نسیه تجاری (مطابق ماده ۴ آیین‌نامه تنزیل اسناد و اوراق تجاری و مقررات اجرایی) است، با احتساب سود بانکی خریداری (تنزیل) می‌کنند. مطابق ماده ۵ و ۶ آیین‌نامه تنزیل، تنها اسنادی قابل تنزیل هستند که سررسید آنها کمتر از یک سال باشد. چنین اوراقی به قیمتی کمتر از مبلغ اسمی تنزیل می‌شود که این تفاوت قیمت نباید بیش از نرخ مصوب شورای پول و اعتبار باشد.

طی صد سال اخیر، بیشتر فقها، همچون *سید یزدی*، *بروجردی*، *خوئی*، *امام خمینی*ﷺ (طبق قول اول ایشان)، *سیستانی*، *مکارم شیرازی*، *تبریزی*، *وحید خراسانی* و *زنجانی*، افزون بر خرید و فروش دین به مدیون، خرید و فروش دین به شخص ثالث به مبلغی کمتر از مبلغ اسمی را مجاز می‌دانند (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۲۰۴ــ۲۰۵). اما ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا فقهای حاضر شیعه خرید و فروش دین را قبول دارند؟

برای کسب دیدگاه مراجع، استفتایی به شرح ذیل تنظیم و برای اطلاع از نظرات فقها و مراجع بزرگوار شیعه، برای دفاتر آن بزرگواران ارسال شد:

۱. آیا مجاز است در قراردادی به جای مبلغ نقد، اوراق به طرف معامله داده شود که حکایت از بدهی کارفرما به طرف معامله دارد و سررسید آن اوراق نیز حداکثر یک سال باشد؟

۲. آیا می‌توان قبل از زمان سررسید، این اوراق را به قیمتی کمتر از قیمت آن در زمان سررسید خریداری نمود؟

۳. آیا در صورت مجاز بودن خرید و فروش این اوراق به قیمتی کمتر در بار اول، آیا برای دفعات دیگر خرید و فروش این اوراق مجاز است؟

همه مراجع حاضر به سؤالات پیش‌گفته پاسخ مثبت داده‌اند (موسویان و کریمی، ۱۳۹۴).

تبیین مطالبات خرید دین

اسناد خریداری‌شده در تسهیلات خرید دین دارای موعد وصول است. چنانچه در زمان سررسید، اسناد مذکور قابل وصول نباشد تنزیل یا خرید مجدد همان اسناد فاقد موضوعیت است. وصول مطالبات خرید دین از طریق تبدیل قرارداد امکان‌پذیر است، اما باید توجه داشت مشتری بدهکار صرفاً می‌تواند اسناد واقعی دیگری را نزد بانک تنزیل نماید تا از مجرای آن، مطالبات بانک تسویه شود، مشروط به آنکه نرخ تنزیل (نرخ سود) اسناد جدید و یا مبلغ اسناد تنزیلی به میزانی باشد که مطالبات بانک بابت تسهیلات قبلی (مبلغ اسمی اسناد قبلی) را هم پوشش دهد.

تبیین مطالبات عقود مشارکتی

مطابق فصل سوم قانون «عملیات بانکداری بدون ربا»، بانک‌ها می‌توانند از طریق قراردادهای مشارکتی، تمام یا بخشی از سرمایه لازم بنگاه‌های اقتصادی را تأمین مالی کنند.

قراردادهای مشارکتی قراردادهای انتفاعی با سود غیرمعین و انتظاری‌اند؛ به این معنا که بانک و متقاضی تسهیلات براساس نرخ بازدهی (سود) حاصل از عملکرد واقعی عامل، تصمیم به سرمایه‌گذاری می‌گیرند و قرارداد منعقد می‌کنند؛ اما سود واقعی در پایان دوره مالی براساس نسبت ازپیش‌تعیین‌شده میان طرفین تقسیم می‌شود. سود حاصل از محل قراردادهای مشارکتی برای بانک، رقم نامعین و انتظاری است. سود واقعی نیزدر پایان قراردادها مشخص می‌شود؛ و چون همه قراردادها همزمان به پایان نمی‌رسد، در هر مقطع تاریخی سود بانک از محل این قراردادها تقریبی خواهد بود، به‌ویژه اینکه ممکن است بعضی از قراردادها اصلاً به مرحله بازدهی نرسد یا مدت زمان زیادی طول بکشد.

انواع قراردادهای مشارکتی عبارت است از: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات.

ماهیت حقوقی و کیفیت مطالبات مشارکت مدنی

ازجمله روش‌هایی که بانک (براساس ماده ۷ قانون «عملیات بانکی بدون ربا») می‌تواند با اشخاص حقیقی و حقوقی وارد معامله شود و نیازهای مالی آنان را تأمین نماید، «مشارکت مدنی» است. در قانون مدنی «مشارکت مدنی» چنین تعریف شده است: «اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیئی واحد به نحو مشاع». درواقع بانک به‌عنوان شریک در این‌گونه از فعالیت‌ها وارد می‌شود و منابع لازم برای انجام طرح را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد. ماده ۵ دستورالعمل اجرایی مشارکت مدنی اشعار می‌دارد: «بانک‌ها موظفند قبل از مبادرت به انعقاد قرارداد مشارکت مدنی، عملیات موضوع مشارکت را بررسی و اطمینان حاصل نمایند که اصل مال الشرکه و سود موردانتظار ناشی از مشارکت مدنی، در طول مدت قرار داد قابل برگشت و مشارکت قابل تسویه باشد».

در این روش، براساس عقد شرکت، بانک‌ها بخشی از سرمایه موردنیاز بنگاه اقتصادی را تأمین کرده، در مالکیت بنگاه و به دنبال آن در سود و زیان بنگاه شریک می‌شوند. طبق ماده ۱۸ «آیین‌نامه تسهیلات اعطایی بانکی»، «مشارکت» عبارت است از: «درآمیختن سهم الشرکه نقدی و غیرنقدی اشخاص حقیقی و حقوقی متعدد به نحو مشاع، به منظور انتفاع طبق قرارداد».

مشارکت مدنی منظور در شبکه بانکی، همان «قرارداد شرکت» است که در متون فقهی از آن به «شرکت اموال» یا «شرکة العنان» تعبیر می‌شود. برخی فقها آن را چنین تعریف کرده‌اند: «شرکت° قراردادی است که بین دو نفر یا بیشتر منعقد می‌شود تا با مالی که بین آنان مشترک است، فعالیت اقتصادی کنند» (موسوی خمینی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۱).

براین‌اساس، پیش از انعقاد قرارداد مشارکت، اطلاعات مربوط به سودآوری و اقتصادی بودن طرح توسط بانک جمع‌آوری و ارزیابی می‌شود. پس از اتمام مدت مشارکت، سهم بانک به قیمت روز و یا براساس قیمت توافقی، توسط شریک به صورت نقدی یا اقساطی خریداری می‌گردد. مدت مشارکت در فعالیت‌های بازرگانی یک سال و

برای فعالیت‌های تولیدی و احداث مسکن سه سال است و بانک مرکزی می‌تواند در موارد استثنایی مدت مذکور را افزایش دهد. حداکثر میزان مشارکت بانک، به میزان ۸۰ درصد کل سرمایه لازم است. حداقل سود موردانتظار در صنعت ۱۳ درصد، معدن ۱۲ درصد، مسکن ۱۲ درصد، ساختمان‌سازی ۱۴ درصد، کشاورزی ۸ درصد و دامپروری ۱۰ درصد است.

سهم این قرارداد از کل تسهیلات اعطایی نظام بانکی ۴۶ درصد است که رقم قابل‌توجهی است.

تبیین مطالبات مشارکت مدنی

با فرض اینکه متقاضی تسهیلات[۵] واجد شرایط اخذ تسهیلات در قالب مشارکت مدنی باشد، بانک و متقاضی تسهیلات با هم شریک می‌شوند. بانک در فعالیت انجام‌شده به صورت مشاع به نسبت سهام، شریک مشتری است و همانند مشتری، مالک بخش حقیقی اقتصاد، ازجمله ساختمان، کارخانه یا مانند آن است و کسی نمی‌تواند عین را از وی دریغ کند.

باید توجه شود که اموال مشارکت مدنی در طول مدت مشارکت، در صورت لزوم، به تشخیص بانک، بیمه می‌شود (ماده ۱۵ دستورالعمل اجرایی مشارکت مدنی). مشارکت مدنی پس از اتمام موضوع شرکت، تسویه، مرتفع و مطالبات بانک محو می‌گردد و در پایان قرارداد نیز سود حاصل از شرکت به تناسب سرمایه بین بانک و شریک تقسیم می‌شود (ماده ۴ دستورالعمل اجرایی مشارکت مدنی).

در این عقد برخلاف عقود دیگر، سود ثابت و از قبل‌تعیین‌شده‌ای وجود ندارد.

برای بررسی مطالبات ناشی از عقد مشارکت، فرض می‌شود بانک وارد یک قرارداد مشارکت واقعی با طرف متقاضی تسهیلات گردیده، به‌گونه‌ای‌که اموال به صورت مشاع با هم ترکیب شده است. در این صورت، می‌توان حالت‌های ذیل را به منظور وصول مطالبات متصور شد:

الف) طرح سودده باشد و موضوع مشارکت مدنی با موفقیت به پایان برسد و تسهیلات گیرنده به قرارداد اولیه پایبند باشد. در این حالت بانک اصل و فرع سرمایه خود را کسب می‌کند و مطالبات بانکی وصول می‌گردد.

پس از اتمام قراردادِ مشارکت نیز بانک می‌تواند سهم‌الشرکه خود را با تبدیل قرارداد خود به قراردادی همانند «فروش اقساطی» به متقاضی تسهیلات دریافت نماید. در صورت تبدیل قرارداد به فروش اقساطی، امکان به وجود آمدن دِین و بدهی وجود دارد. در این صورت، ماهیت قرارداد عوض شده، ماهیت آن متفاوت از قبلی (قرارداد مشارکت) است.

ب) طرح سودده بوده، اما تسهیلات گیرنده به قرارداد پایبند نباشد که در این صورت، بانک دچار ریسک نکول شده، مطالبات بانک همچنان پابرجا خواهد بود. برای جلوگیری از این فرایند، بانک در ضمن عقد قرارداد، می‌تواند اقدام به دریافت ضمانت کافی از تسهیلات گیرنده نموده، از این طریق ریسک نکول خود را کاهش دهد. ماده ۱۴

دستورالعمل اجرایی مشارکت مدنی اشعار می‌دارد: «بانک‌ها می‌توانند جهت حصول اطمینان از حسن اجرای قرارداد مشارکت مدنی خود، از طرف مقابل در قرارداد، تأمین کافی اخذ نمایند». در صورت ارجاع به مراجع قضایی نیز تمام هزینه‌ها، اعم از دادرسی، دادخواست، وکیل و مانند آن به عهده متشاکی خواهد بود و چیزی بر عهده بانک نیست. بنابراین امکان نکول توسط تسهیلات گیرنده به حداقل ممکن خواهد رسید.

از سوی دیگر، بانک می‌تواند در تمام مراحلِ قرارداد، بر قرارداد نظارت مستقیم داشته باشد و در هر بار معامله موضوع شراکت، پول حاصل از این فرایند را ابتدا به حساب بانکی مالک سرمایه (بانک) واریز نماید.

البته در چنین مواردی برای وصول مطالبات سابق و ایجاد مطالبات جدید، مشارکت قابل تمدید است. برای مثال، اگر بانک و شخص کارخانه‌ای را ایجاد کردند و فرد متعهد شد در طول چند سال سهم بانک را به تدریج بخرد، اگر نتوانست سر موعد سهم را بخرد و مهلت خواست، بانک می‌تواند زمان فروش سهم خود را به تأخیر بیندازد و در آن مدت از سود آن استفاده کند، یا آنکه سهم خود را طبق قرار اولیه در صورت تأخیر، تغییر دهد (موسویان، ۱۳۸۰، ص ۲۲۲).

ج) عقد به صورت صحیح انجام پذیرد و سهم مشارکتی بانک از اصل سرمایه پرداخت شود، اما در عین حال طرح مبتنی بر عقد مشارکت، منجر به زیان گردد. در این صورت هر دو شریک ضرر کرده‌اند. قاعدتاً هیچ‌یک از شرکا نسبت به دیگری بدهی ندارد و شریک دیگر مطالبه‌ای نمی‌کند. این موضوع به صراحت در ماده ۵۷۶ قانون مدنی ذکر گردیده است: «هریک از شرکا به نسبت سهم خود در نفع و ضرر سهیم می‌باشد، مگر اینکه برای یک یا چند نفر از آنها در مقابل عملی، سهم زیادتری منظور شده باشد». بانک به‌عنوان شریکِ سرمایه‌گذاری، نه‌تنها مازادی را به‌عنوان سود دریافت نمی‌کند، بلکه بخشی از بار زیان در سرمایه را هم بر دوش می‌کشد. عامل نیز اگر در تأمین سرمایه مشارکت کرده باشد و نیز بابت کارهایی که انجام داده و هزینه‌هایی که کرده، هیچ اجرتی دریافت نمی‌دارد، بلکه بنا به قاعده، بخشی از زیان نیز به نسبت سرمایه به وی وارد خواهد آمد.

با وجود این باید توجه نمود که در صورت تلف شدن مال‌الشرکه، ضرری متوجه اصل سهم‌الشرکه بانک نخواهد شد؛ زیرا ماده ۱۵ دستورالعمل اجرایی مشارکت مدنی بیان کرده است که «بانک‌ها ترتیبی اتخاذ خواهند نمود تا عنداللزوم به تشخیص بانک، اموال مشارکت مدنی در طول مدت مشارکت، بیمه شود».

همچنین طبق ماده ۵ دستورالعمل اجرایی مشارکت مدنی، بانک‌ها مکلف شده‌اند قبل از اعطای تسهیلات، به منظور کاهش ریسک ایجاد زیان، نظارت و اقدامات کافی را به عمل آورند که این خود ایجاد بدهی را بلاموضوع می‌کند؛ زیرا در عقد مشارکتی زیان‌دیده و رقمی در سر فصل مطالبات قرار نخواهد گرفت و تنها از سود بانک کاسته شده است. ماده ۵۸۴ قانون مدنی نیز تلویحاً به عدم ایجاد بدهی اشاره دارد: «شریکی که مال‌الشرکه در ید اوست در حکم امین است و ضامن تلف و نقص آن نمی‌شود، مگر در صورت تعدی».

نکته مهمی که در اینجا وجود دارد آن است که بنا به نظر برخی از فقها، در قرارداد شرکت می‌توان شرایطی را در ضمن قرارداد مطرح کرد و یکی از شرایط مهم برای بانک، شرط پذیرش ضرر و ریسک احتمالی از طرف مشتری (شریک) است. امام خمینی؛ در خصوص جواز تعهد ضرر احتمالی در قرارداد شرکت می‌فرماید: «اگر شرکا قرار بگذارند که همه استفاده را یک نفر ببرد، صحیح نیست؛ ولی اگر قرار بگذارند که تمام ضرر یا بیشتر آن را یکی از آنان بدهد، شرکت و قرارداد هر دو صحیح است» (جامعه مدرسین، ۱۳۸۱، ص ۲۵۷).

در این صورت، چنانچه ضرر بر عهده مشتری باشد، تا قبل از تحقق کامل مشارکت هیچ دِینی ایجاد نمی‌شود؛ اما در صورت بروز ضرر، طرف مقابل مسئول پرداخت ضرر است. در «شورای پول و اعتبار» نیز در جهت اجرای تبصره ذیل ماده ۲۳ قانون «بهبود مستمر محیط کسب و کار» فرم قرارداد مشارکت مدنی در ۲۸ ماده و ۹ تبصره به تصویب رسیده است. در ماده ۱۱ این مصوبه آمده است:

شریک با امضای این قرارداد متعهد گردید مدیریت منابع و مصارف موضوع مشارکت را به نحوی به انجام رساند که در پایان دوره مشارکت، سهم‌الشرکه متعلقه بانک / مؤسسه اعتباری به علاوه سود ابرازی موضوع مشارکت، اعلامی از سوی شریک، مندرج در برگ درخواست تسهیلات مورخ... به حساب بانک / مؤسسه اعتباری منظور گردد. در غیر این صورت، شریک ملتزم و متعهد گردید سهم‌الشرکه متعلقه بانک / مؤسسه اعتباری به علاوه سود ابرازی موضوع مشارکت و ضرر و زیان وارده به بانک / مؤسسه اعتباری را صلح و تبرعاً از اموال خود تأمین و پرداخت نماید.

اما شرط تضمین جبران ضرر ارتباطی با معوقه شدن و به‌تبع آن، با بحث خسارت تأخیر تأدیه درباره دیون اشخاصی که در قراردادهای مشارکتی متحمل زیان شده‌اند، ندارد. تعلق خسارت تأخیر تأدیه به چنین مطالبه‌هایی به این معناست که با وجود عدم حصول سود در مشارکت و حتی بروز نقصان در اصل سرمایه، بانک بابت تأخیر در بازپرداخت اقساط (اصل سرمایه و سود موردانتظار) خسارتی نیز از بدهکار دریافت می‌دارد. در حقیقت بانک خسارت تأخیر در بازپرداخت دیونی را دریافت می‌دارد که اساساً وجود خارجی ندارد و فقط در فهرست مطالبه‌های بانک درج شده است. با انتقال چنین ریسکی به مشتری، ماهیت «عقد مشارکت» با چالش جدی مواجه می‌شود؛ یعنی صورت قرارداد° مشارکت است، اما قرارداد حقیقی «عقد قرض» بوده است. به همین دلیل با ماهیت قرض سازگاری پیدا می‌کند و روشن است که هر نوع زیاده‌ای در عقد قرض رباست.

ماهیت حقوقی و کیفیت مطالبات مشارکت حقوقی

براساس ماده ۲۳ آیین‌نامه فصل سوم قانون «عملیات بانکداری بدون ربا»، «مشارکت حقوقی» عبارت است از: «تأمین قسمتی از سرمایه شرکت‌های سهامی جدید و یا خرید قسمتی از سهام شرکت‌های سهامی موجود توسط بانک‌ها».

در این روش، بانک‌ها با تخصیص بخشی از منابع، به خرید بخشی از سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اقدام کرده، همانند سایر سهامداران در سود و زیان شرکت شریک می‌شوند. براین‌اساس بانک یا رأساً اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند و خواستار مشارکت حقوقی سایر اشخاص در اجرای آن می‌شود و یا پیشنهاد مشارکت حقوقی سایر اشخاص حقیقی و حقوقی را می‌پذیرد. سهام می‌تواند یا برای توسعه و تکمیل و راه‌اندازی باشد و یا فقط جنبه معاملاتی داشته باشد.

مطابق ماده ۴ دستورالعمل اجرایی مشارکت حقوقی، مصوب ۱۳۶۳/۱/۱۹، حداکثر میزان مشارکت بانک‌ها در سرمایه شرکت‌های جدید ۴۹ درصد و در شرکت‌های موجود ۲۰ درصد کل سهام شرکت است و بانک حداکثر به میزان ۱۰ درصد کل سرمایه‌اش می‌تواند در سرمایه هر شرکت، مشارکت داشته باشد. حداقل سود موردانتظار بانک برای مشارکت در بخش کشاورزی ۶ درصد، ساختمان ۱۰ درصد و خدمات و بازرگانی ۱۲ درصد در نظر گرفته شده است.

تبیین مطالبات مشارکت حقوقی

مطابق ماده ۲۵ آیین‌نامه اجرایی مشارکت حقوقی به منظور تسهیل وصول مطالبات، بانک‌ها موظفند پیش از مشارکت، وضعیت شرکت‌های سهامی را که سهام آنها موضوع خرید است یا طرح ارائه‌شده برای مشارکت را از لحاظ فنی، مالی و اقتصادی (در حد نیاز بانک) بررسی و ارزیابی کنند. مشارکت هر بانک از محل منابع بانک و سپرده‌های سرمایه‌گذاری در صورتی مجاز است که نتیجه بررسی و پیش‌بینی‌ها حاکی از عدم زیان‌دهی مشارکت باشد.

چنانچه به هر علتی در عقود مشارکت حقوقی، مطالبات بانکی ایجاد گردد می‌توان از تبدیل قرارداد مشارکت حقوقی به مشارکت کاهنده به منظور وصول مطالبات بهره برد؛ بدین صورت که یکی از شرکا ضمن قرارداد توافق می‌کند به تدریج سهم‌الشرکه شریک دیگر را تملک نماید.

ماهیت حقوقی و کیفیت مطالبات مضاربه

«مضاربه» یکی از عقود اسلامی است که برای تحقق امور تجاری اختصاص می‌یابد و براساس آن یکی از طرفین (مالک) عهده‌دار تأمین سرمایه نقدی می‌گردد و طرف دیگر با آن تجارت کرده، در سود حاصل شریک می‌گردد. در این روش، بانک‌ها براساس قرارداد «مضاربه»، سرمایه موردنیاز تاجر و بنگاه تجاری را تأمین می‌کنند و طبق توافق، در سود و زیان فعالیت بازرگانی شریک می‌شوند.

قید «تجارت» در مضاربه، به منظور صدور کالا به خارج از کشور به قصد فروش، و ورود کالا از خارج به منظور فروش در داخل و یا خرید و فروش کالا در داخل کشور لازم است. مدت مضاربه حداکثر یک سال بوده و در موارد استثنایی با موافقت بانک مرکزی قابل افزایش است.

براساس ماده ۴ دستورالعمل اجرایی مضاربه، عامل می‌تواند سرمایه را یکجا یا به تدریج دریافت کند.

در قرارداد مضاربه بانک به وکالت از سپرده‌گذاران، فقط در سود حاصل شریک است و متقاضی مضاربه براساس قرارداد صلح، تمام ضررهای حاصل در شرایط عادی را متقبل می‌شود و متقاضی مضاربه موظف است حداقل سود موردانتظار را که به صورت دستوری از سوی شورای پول و اعتبار به بانک‌های عامل ابلاغ می‌شود، به بانک بپردازد، هرچند به هر علتی نتوانسته باشد این سود را عملاً کسب کند. عدم تعیین حداقل سود موردانتظار سبب افزایش تقاضای تسهیلات مضاربه، حتی از سوی کسانی می‌شود که هیچ‌گونه آشنایی با تجارت و بازار ندارند، ضمن آنکه بدون وجود حداقل سود موردانتظار، عامل مضاربه می‌تواند مدعی عدم تحصیل سود شده، از پرداخت حق سپرده‌گذاران و بانک طفره رود.

تبیین مطالبات مضاربه

برای بررسی مطالبات ناشی از عقد مضاربه، فرض می‌شود که بانک وارد یک قرارداد مضاربه واقعی با طرف متقاضی تسهیلات شده است. در این صورت می‌توان حالت‌های ذیل برای وصول مطالبات را متصور شد:

الف) تجارت سودده باشد و موضوع مضاربه با موفقیت به پایان برسد و تسهیلات گیرنده به قرارداد اولیه پایبند باشد. در این حالت بانک اصل و فرع سرمایه خود را کسب می‌کند و مطالبات بانکی محو می‌گردد.

ب) تجارت سودده باشد، اما طرف مقابلِ بانک (عامل) اقدام به پرداخت سهم سود بانک و یا اصل سرمایه نکند که در این صورت بانک دچار ریسک نکول شده و مطالبات بانک همچنان پابرجا خواهد بود. البته به منظور جلوگیری از این فرایند، طبق ماده ۱۲ دستورالعمل اجرایی مضاربه، ضمن عقد صلح، بانک تعهد کافی اخذ می‌نماید.

ج) عقد به صورت صحیح انجام پذیرد، اما در عین حال تجارت مبتنی بر عقد «مضاربه» منجر به زیان شود. چنین زیانی هرچند از حق‌الوکاله سپرده‌گذاران کسر می‌گردد، اما در سرفصل مطالبات بانک درج نمی‌شود. البته طبق ماده ۵۵۹ قانون مدنی چنانچه لزوماً شرط شده باشد که مضارب از مال خود به مقدار خسارت یا تلف مجاناً به مالک تملیک نماید از سرفصل مطالبات حذف نمی‌گردد.

طبق ماده ۱۰ دستورالعمل اجرایی مصوب شورای پول و اعتبار، بانک‌ها مکلفند بر مصرف سرمایه نقدی (منابع) و برگشت آن و همچنین بر عملیات اجرایی مضاربه نظارت کافی به عمل آورند و طبق تبصره این ماده، حساب عملیات بانکی ناشی از اجرای معاملات مضاربه، نزد بانک تأمین کننده سرمایه متمرکز خواهد شد.

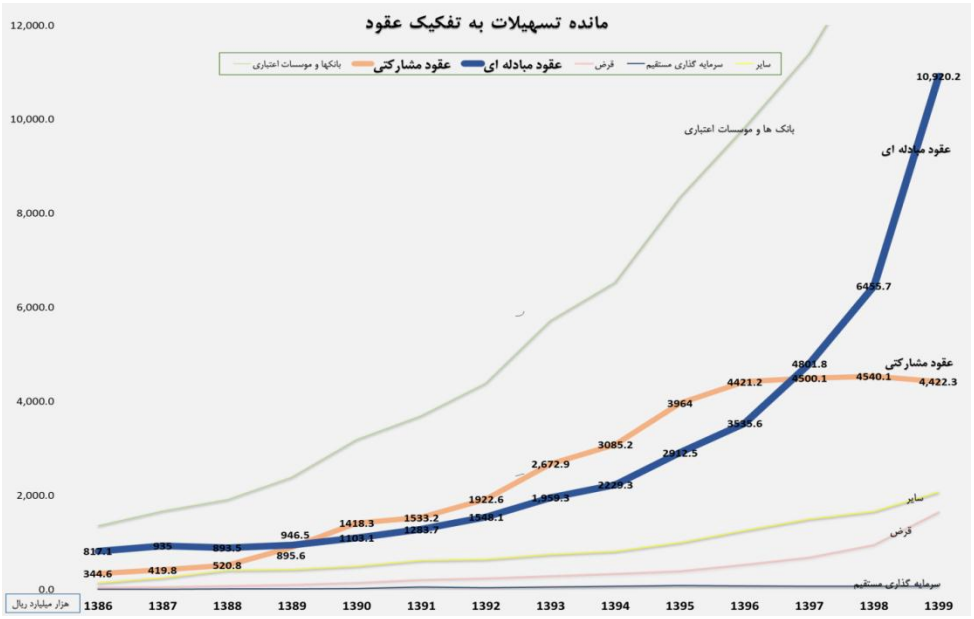
کیفیت مطالبات بانکی در عقود مزارعه و مساقات

با توجه به عدم کاربرد عقود «مزارعه» و «مساقات»، مطالبات آنها بررسی نگردید.

لزوم بازنگری کمّی و کیفی عقود بانکی

آمار موجودِ مانده تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به تفکیک عقود سبب شد تا این سؤال در ذهن نگارنده(گان) پدید آید که چه میزان از این مانده مرتبط با عقود مشارکتی است؟ و چه مقدار به عقود مبادله‌ای اختصاص دارد؟ با تجمع عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی و مضاربه) و مبادله‌ای (جعاله، سلف، فروش اقساطی، مرابحه، استصناع، اجاره به شرط تملیک) طی سال‌های ۱۳۸۶_۱۳۹۹ نمودار (۱) استخراج گردید:

نمودار ۱: مانده تسهیلات به تفکیک عقود ۱۳۸۶-۱۳۹۹



تحلیل نمودار نشان‌دهنده آن است که حجم تسهیلات اعطایی به عقدهای مشارکتی در طول سال‌های گوناگون پیش از سال ۱۳۸۸ به لحاظ درصد و حجم بسیار کمتر از عقود مبادله‌ای است. اما از نیمه سال ۱۳۸۸ شاهد افزایش سهم عقود مشارکتی نسبت به عقود مبادله‌ای هستیم.

بین سال‌های ۱۳۸۹_۱۳۹۷ سهم عقود مشارکتی بیش از عقود مبادله‌ای بوده است. چه عواملی سبب شد که این دو سال حجم تسهیلات به‌طور معناداری به سمت عقود جایگزین منحرف شود؟

یکی از علل افزایش سهم عقود مشارکتی تعیین سقف نرخ سود برای عقود با بازدهی ثابت است. از سال ۱۳۸۶ دولت نرخ ۱۲ درصدی برای عقود مبادله‌ای تعیین کرد و نرخ عقود مشارکتی را آزاد گذاشت و مصوب شد بانک‌ها براساس سود انتظاری، قراردادهای مشارکتی منعقد سازند (بانک مرکزی، جلسه ۱۰۸۵، شورای پول و اعتبار، ۱۳۸۶). از سال ۱۳۸۹ با استناد به قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات

بانکی، سود عقود مشارکتی با نرخ‌های بالای ۲۰ درصد پرداخت شد، درحالی‌که سود عقود مبادله‌ای برای قراردادهای زیر دو سال ۱۲ درصد و بالاتر از دو سال ۱۴ درصد تعیین شد (میری و احمدی، ۱۳۸۹). به سبب اختلاف نرخ، بانک‌ها سعی می‌کردند تسهیلات خود را در قالب عقود مشارکتی با نرخ بالاتر پرداخت کنند.

قانون مزبور که ـ درواقع ـ حرکت به سوی کاهش نرخ سود به سطح کمتر از نرخ تعادلی بازار است، موجب مشکلات متعدد اقتصادی، نظیر محدودیت وجوه تسهیلاتی به سبب افزایش تقاضا، سهمیه‌بندی منابع، رانت، رشوه‌خواری و انحراف تسهیلات به سمت عقود جایگزین شد (یوسفی، ۱۳۸۴).

انحرافات ذکرشده سبب شد بانک مرکزی در نیمه اول مهرماه سال ۱۳۹۷ در بخشنامه شماره ۲۲۱۰۰۷/ ۹۹ به اصلاح برخی از مواد «دستورالعمل شناسایی درآمد مؤسسات مالی» (مصوب خرداد ۱۳۹۷) بپردازد. در بخشی از این بخشنامه آمده است:

با امعان نظر به لزوم اجرای دقیق «عملیات بانکی بدون ربا» و اجتناب از هرگونه شائبه صوری بودن قراردادهای مشارکتی و النهایه کاهش ریسک حقوقی شبکه بانکی کشور در این خصوص، مؤکداً توصیه می‌شود بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی در فرایند تخصیص منابع عمدتاً به عقود غیرمشارکتی معطوف شوند و اعطای تسهیلات در قالب عقود مشارکتی صرفاً با به‌کارگیری سازوکارهای مقتضی که محاسبه سود و زیان واقعی موضوع مشارکت در آن امکان‌پذیر است، انجام شود.

با صدور این بخشنامه، سهم تسهیلات مبادله‌ای نسبت به تسهیلات مشارکتی به شدت افزایش یافت.

علاوه بر آن، طی دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری مردادماه ۱۳۹۸ تبدیل قراردادهای مشارکتی به مبادله‌ای از آسان‌ترین روش‌هایی است که بانک می‌تواند در پیش گیرد. شیب فزاینده (سال ۱۳۸۹ به بعد) عقود مبادله‌ای نسبت به عقود مشارکتی در نمودار مزبور، نتیجه این دو سیاست است.

با بررسی آمار موجود مانده تسهیلات به تفکیک عقود بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، به‌نظر می‌رسد بانک‌ها بدون آنکه به ماهیت عقود توجه داشته باشند، تسهیلات بانکی را به‌گونه‌ای پرداخت می‌کنند که سودِ حداکثرسازی حاصل شود. بازخوانی مطالبات بانکی براساس عقود بانکی می‌تواند راهنمای خوبی برای تنظیم اعطای تسهیلات بانک‌ها باشد. بررسی مطالبات بانک‌ها به تفکیک عقود، سعی دارد چنین رسالتی را انجام دهد. بانک با ساختار کنونی باید از بین عقود متنوع، علاوه بر رعایت اعتبارسنجی و اخذ وثایق و تضامین، عقدی را انتخاب نماید که در نهایت به بازگشت آن اطمینان خاطر داشته باشند.

بانک‌های بدون ربای کنونی با ساختار موجود، به سبب گریز از ریسک، نمی‌توانند همزمان همه عقود اسلامی موجود در نظام «عملیات بانکی بدون ربا» را به درستی اجرا کنند. بانک برای دریافت سود بیشتر به عقودی متوسل می‌شود که سود حداکثری را با ریسک حداقلی مهیا سازد.

پیشنهاد مشخص این نوشته آن است که به سبب اطلاعات نامتقارن بانک و مشتری و عدم اشراف اطلاعاتی بانک به موضوع فعالیت مشتری در قراردادهای مشارکتی، از اجرای عقود مشارکتی در ساختار کنونی «عملیات بانکی بدون ربا» جلوگیری به عمل آید و تمرکز بانک در بخش تسهیلات انتفاعی معطوف به عقود مبادله‌ای باشد.

ظرف تحقق عقود اسلامی متناسب با مظروف آن که عالم واقع (یعنی بازار کالا و خدمات) است، محقق می‌شود. ورود بانک به بازار واقعی مستلزم تقبل هزینه است. بانک برای دفع هزینه‌ها، انتقال آن به مشتری را انتخاب می‌کند. برای مثال، در مشارکت مدنی با وجود آنکه بانک و مشتری باید در سود و زیان شریک باشند، اما بانک در مقام عمل، به منظور دفع ضرر، هزینه‌های ریسک را به مشتری منتقل می‌کند و همانند فروش اقساطی، از مشتری سود ثابت دریافت می‌کند. همچنین بانک به علت عدم تخصص در فروش اقساطی، به مشتری وکالت می‌دهد تا مالی خریداری کرده، به وی واگذارد. ادعای «الگوی پیشنهادی تفکیک بانک‌ها» آن است که نهادهای تخصصی باید عهده‌دار چنین قراردادهایی باشند تا مشکل صوری شدن عقود برطرف گردد. این الگو بیان می‌دارد که بانک‌ها به سبب عدم تخصص، توان اجرای عقود اسلامی را ندارند و ـ در حقیقت ـ بانک‌های مدعی اسلامی بودن ماهیتاً بانک‌های تجاری هستند و ـ همان‌گونه که می‌دانیم ـ تخصص بانک‌های تجاری بازار پول است، نه بازار واقعی. تخصص بازار پول یعنی: دریافت و پرداخت براساس سازوکار بهره؛ به این معنا که وام بدهند و سود ثابت دریافت کنند. کارکرد چنین بانک‌هایی آن است که همه عقود را به «عقد قرض به شرط زیاده» تحلیل ببرند.

نتیجه‌گیری

مشکلات ناشی از مطالبات بانکی از مهم‌ترین چالش‌های بانکداری محسوب می‌شود. روش مرسومِ کنترل مطالبات از طریق وجه التزام در قراردادهای بانکی و اخذ جریمه تأخیر تأدیه در قالب قانون «عملیات بانکی بدون ربا» هرچند مورد تأیید شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و تعدادی از مراجع عظام قرار گرفته، اما برخی از مراجع دریافت هرگونه جریمه را مصداق ربا یا ربای جاهلی و حرام می‌دانند.

با وجود اجرای قانون «عملیات بانکی بدون ربا» طی بیش از سه دهه، نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات در مقایسه با دیگر کشورها، همواره فزاینده بوده است. مدیریت مطلوب باید به‌گونه‌ای باشد که طی فرایندی تسهیلات و مطالبات ایجادشده، وصول گردد.

امکان وصول بدهی در هریک از عقود «قرض‌الحسنه»، «مشارکتی» و «مبادله‌ای» براساس سازوکار تعبیه شده در عقد، مهیاست؛ اما باید اذعان داشت که در عمل، قانون «عملیات بانکی بدون ربا» اجرا نشده و همان عملیات قرض‌دهی و بهره‌گیری در نظام بانکی ایران در بخش تخصیص منابع با عناوین عقود مشارکتی و مبادله‌ای اتفاق افتاده است. به‌تبع این مسئله و ازآنجاکه در قرض‌دهی، تضمینی برای حضور در بخش حقیقی اقتصاد وجود

ندارد، احتمال عدم وصول تسهیلات از سوی وام‌گیرندگان هست و وقتی این مسئله با ضعف‌های دیگر نظام بانکی ایران (مثل ساختار نامناسب و ناقص اعتبارسنجی)، مسائلی همچون شرایط نامناسب اقتصادی و تزریق منابع به بازارهای سوداگری و عملیات‌های سوداگرانه، کم بودن بهره بانکی نسبت به تورم، فساد و مانند آن اضافه شود، رسیدن به این حجم از معوقات بانکی امری بدیهی و قابل پیش‌بینی خواهد شد.

در فعالیت‌های مالی، همواره سود بیشتر با ریسک بالاتری همراه است. به همین سبب، بانک‌ها در خلال سال‌های ۱۳۸۹ـ۱۳۹۷ گرایش زیادی به پرداخت تسهیلات در قالب عقود مشارکتی نسبت به عقود مبادله‌ای داشتند که با روح بانکداری اسلامی هم سازگاری بیشتری دارد؛ اما مع‌الاسف عمده ریسک چنین عقودی را در ضمن قراردادها به مشتری منتقل کردند.

هدف اصلی مقاله سنجه نسبت معوقات به تسهیلات اعطایی به تفکیک عقود، طی سال‌های اجرا بود؛ اما متأسفانه بانک‌ها فاقد آمار قابل اتکای معوقات به تفکیک عقود هستند و این در حالی است که مقتضای شفافیت در «عملیات بانکی بدون ربا»، ایجاد سامانه‌ای برای رصد مستمر وصول تسهیلات اعطایی عقود مشارکتی و مبادله‌ای است، به‌گونه‌ای‌که آمار معوقات تسهیلات به تفکیک عقود نیز قابل رؤیت باشد.

البته با توجه به آمار ارائه‌شده از انحراف تسهیلات پرداختی عقود مشارکتی ادعایی، به نظر می‌رسد متغیر تفکیک عقود تأثیر معناداری در معوق شدن تسهیلات اعطایی ندارد. ازهمین‌رو، پیشنهاد آن است که در وهله اول، مطابق ساختار کنونی از اجرای عقود مشارکتی که بانک امکان و تخصص اجرای آن را ندارد، جلوگیری به عمل آید. سپس این کار موکول به زمانی گردد که ساختارهای جایگزین مناسبی تعبیه شده باشد، و تا آن زمان فعالیت انتفاعی بانک معطوف به عقود مبادله‌ای گردد. در وهله دوم، راهکارهای مناسبی برای کاهش مطالبات ارائه شود.

منابع

بهجت، محمدتقی، ۱۳۸۶، ***استفتائات***، قم، دفتر مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت.

جامعه مدرسین حوزهٔ علمیه قم، ۱۳۸۱، ***ربا (پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا)***، قم، جامعهٔ مدرسین.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۶، ***أجوبه الاستفتائات***، تهران، الهدی.

حسینی سیستانی، سیدعلی، ۱۳۹۰، ***استفتائات «کتاب دیجیتال»***، مشهد، علیرضا نیشابوری محمدی.

رضوانی، غلامرضا، ۱۳۹۰، ***مصاحبه چاپ‌شده در کتاب: فقه معاملات بانکی از دیدگاه مراجع تقلید***، تدوین سیدعباس موسویان، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.

سبحانی، حسن و محمد اکبری، ۱۳۹۵، «بررسی امکان و ادله ایجاد بدهی معوقات بانکی در نظام بانکی بدون ربا»، در: ***اولین گردهمایی بین المللی بانکداری و تأمین مالی اسلامی «قواعد ایجابی و سلبی تامین مالی اسلامی»***، تهران.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۳۹۲، ***جامع الاحکام***، قم، دفتر حفظ و نشر آثار.

صمصامی، حسین و سعید کریمی، ۱۳۹۶، «بررسی امکان تحقق مطالبات معوق در بانکداری بدون ربا»، ***معرفت اقتصاد اسلامی***، ش۱۶، ص ۳۹_۶۰.

عرب مازار، عباس و سعید کیقبادی، ۱۳۸۵، «اندیشه جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران»، ***اقتصاد اسلامی***، ش۲۲، ص ۱۳_۴۶.

فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۷۵، ***جامع المسائل***، قم، مطبوعاتی امیر.

گلپایگانی، سیدمحمدرضا، ۱۳۶۴، ***مجمع المسائل***، قم، دارالقرآن الکریم.

محرابی، لیلا، ۱۳۹۳، ***ارزیابی وضعیت مطالبات غیر جاری در نظام بانکی ایران و مقایسه آن با سایر کشورها: مروری بر تجارب سایر کشورهای اسلامی***، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۵، ***استفتائات جدید***، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان‌نژاد، قم، مدرسة الامام علی‌بن ابیطالب﵇.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۴۱۶ق، ***تحریر الوسیله***، قم، جامعهٔ مدرسین.

موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۰، ***بانکداری اسلامی***، تهران، مؤسسهٔ تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی.

ـــــ ، ۱۳۸۶، ***ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)***، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ـــــ و سعید کریمی، ۱۳۹۴، «اسناد خزانه اسلامی»، ***معرفت***، ش ۲۱۳، ص ۴۵_۶۲

میری، اشرف‌السادات و مژگان احمدی، ۱۳۸۹، «مقایسه ضوابط سیاستی ـ نظارتی شبکه بانکی در دوره ۱۳۸۹ـــ۱۳۸۷»، ***بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی***، سال دهم، ش ۷و۸، ص ۱۱۹_۱۳۰.

یوسفی، محمدرضا، ۱۳۸۴، «بررسی طرح منطقی کردن سود تسهیلات بانکی»، ***اقتصاد اسلامی***، سال پنجم، ش ۱۹، ص ۷۱_۹۱.

Gokhan, Karabulut, Mehmet Huseyin Bilgin, 2007, "Sources of Non – Performing Loans In Turkish Banking System", ***Journal of Business & Economics Research***, N.. 5(10), p. 766-771.

Goldstein, Morris & Turner, Philip, Banking, 1996, ***Crises In Emerging Economies: Origins and Policy Options***.

GUO Ning- ning, 2007, "Causes and solutions of non – performing loan in chinese commercial banks", ***Chinese Business Review***, v. 6, N. 6.6(6), p. 13-19.

Islam, Mohammad Shofiqul, Shil, Nikhil Chanada and Mannan,M.D.Abdul, 2005, ***Non-performing loans – it causes, consequences and some learning***, p. 1-13.

Prashanth, K. Reddy, 2002, ***A comparative study of Non - Performing Assets in india in the Global contex - similarities and dissimilarities, remedial measures***, Indias Institute of Management Ahmedabed.